

# کتاب ممنوع

## ایجاد علاقه به مطالعه با منع آن



پروین نقیبه‌نساب  
دبستان شهید پرتانیان، سبزوار

آن برای خودم کردم. در بعضی از قسمت‌های آن، عکس‌العملی متناسب با داستان از خود نشان می‌دادم تا اینکه نظر بچه‌ها به من جلب شد و از من خواستند کتاب را برای آن‌ها هم بخوانم و من از این کار امتناع کردم. خواستند کتاب را در اختیار آن‌ها قرار دهم، باز هم امتناع کردم. مدتی این کار را ادامه دادم. روز به روز حرص و ولع و علاقه‌ی بچه‌ها به خواندن کتاب‌های قفسه بیشتر می‌شد و من همچنان از دادن آن‌ها به بچه‌ها خودداری می‌کردم، تا اینکه بعد از چند هفته متوجه شدم آن‌ها به دیدن و خواندن رغبت زیادی نشان می‌دهند. آن موقع بود که به بچه‌ها کتاب دادم، ولی با زمان بسیار محدود. مدتی به این ترتیب با آن‌ها رفتار کردم تا اینکه در پایان سال شاهد خوانده شدن بسیاری از کتاب‌های قفسه شدم.

چند سالی است که در پایه‌ی دوم تدریس می‌کنم. به دلیل اینکه در کتاب فارسی به درست کردن کتابخانه‌ی کلاسی تأکید شده است، من نیز هر سال با کمک دانش‌آموزان کتابخانه‌ی کوچک در کلاس‌مان درست می‌کردم، ولی شور و شوق زیادی در بچه‌ها برای مطالعه‌ی کتاب نمی‌دیدم. آخر هر هفته، وقتی به آن‌ها کتابی به امانت می‌دادم، رغبت چندانی برای خواندن از خود نشان نمی‌دادند. راه‌های متعددی را برای علاقه‌مند کردن آن‌ها امتحان کردم، ولی دوام چندانی نداشتند. هدف من این بود که در درازمدت دانش‌آموز خودش کتاب را از من مطالبه کند. تا اینکه راهکاری در ذهنم جرقه زد. اتفاقاً درست در مقابل کلاس من قفسه‌ی کتابی وجود داشت که در آن بسته بود. یک روز یکی از کتاب‌های داستان آن را برداشتم و در کلاس هنر شروع به خواندن